



موسیقی

golesmusic@yahoo.com

# skin

شروین شہامی پور





## یک بیماری ذهنی که عشق می خوانیم

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشان دهم. ترانه‌های Skunk خیلی زیاد درباره جهان بود. این آلبوم کاملاً درباره من است، به انرژی تماماً جدیدی متصل است و با هرچه تا به حال انجام داده‌ام بسیار متفاوت است.

Skunk Anansie در سال ۹۴ در اوج دوران جنون Britpop (باب بریتانیایی) در لندن شکل گرفت. آن‌ها درون صحنه indie-Rock جای گرفتند اما مانند پاهای چاقی که بخوانند در یک شلوار تنگ بروند. Skin همه چیز را که جلودارهای رنگ پریده سنتی نبودند بود. برای کسی که می‌خواست کارش را شروع کند، او زن بود، کچل، سیاه و باهوش. دبیران نشریات می‌گفتند: «این‌جا بالاخره کسی پیدا شد که خوش بیان است و شمرده صحبت می‌کند و می‌تواند گنج خود را نگه دارد و کاری بیشتر از تکان دادن خود بلد است.

Cass، Bowie، بیسیست سابق Skunk Anansie و پیانو Ben Christophers و نوازنده ترومپت در قطعه Mike Figgis، You've made your bed کارگردان سینماست. Fleshwounds آلبومی است که عمق جدیدی از Skin را نمایان می‌سازد. تشریح روابط بشری که صراحتی مانند کارد جراحی دارد موجب می‌شود که قطعات، خام، باز، به آرامی بی‌رحمانه و با ظرافتی استادانه خوانده شود. این آلبوم بهترین اثری است که تا به حال ارائه کرده است.

Skin می‌گوید: «در ابتدای این پروژه قصدم این بود که قطعاتی بنویسم، ترانه‌های سنتی آرام که از ملودی‌های زیبا و تیره ساخته شده و به دنبال اشعار بگردم، حدس می‌زنم که بیشترین استعداد من در نوشتن شعر باشد و می‌خواستم این را واقعاً در آلبوم

Skin خواننده و ترانه‌سرای سابق گروه موفق دهه ۹۰ Skunk Anansie که با خشمی شاید بیش از خود را می‌خواند از اواخر سال ۲۰۰۱ گروه را ترک کرد و خود مستقلاً به فعالیت حرفه‌ای ادامه داد. او مبدل به هنرمندی سولو شد و Fleshwounds آلبوم نخست او شامل قطعاتی عاشقانه است که به اندازه‌ی که از گذشتن آن سوگواری می‌کند، احساسات عاشقانه را جشن نمی‌گیرد. آلبوم در بلژیک با تهیه‌کنندگی David Kosten و سپس با میکس Ken Nelson، همکار گروه Coldplay ضبط شد. او قطعات را با همکار قدیمی‌اش Len Arran به جز Lost که با هم قلمی همراه پیشین رابی ویلیامز Guy Chambers نوشته شده است. موزیسین‌های او شامل Gail Ann Dorsey بیسیست David

نخستین تک ترانه آنها با نام Seiling gesus به واقع نبردی موسیقایی بود. کج خلقی بی پرحرارت از قطعه‌یی که مصرانه دکه‌یی را برایشان در عرصه موسیقی می‌گشود. طی شش سال بعد بسیار سخت کوشیدند. «ما بیشتر از هر گروه پاپ دیگری کار کردیم. اجراهای تمام‌ناشدنی داشتیم. تقریباً هر شب اجرا می‌کردیم و تور می‌گذاشتیم. این تصمیم ما بود و درست هم بود چون می‌دانستیم اگر می‌خواهیم به آن سطح مورد نظرمان برسیم باید با این روش جلو برویم. ارزش‌اش را داشت اما همچنین بسیار خسته‌کننده بود.»

آن‌ها سه آلبوم منتشر کردند: Paranoid & Sunburnt, Stoosh و Post orgasmic chill که هر سه مورد توجه منتقدان قرار گرفت و در اروپا چهارمیلیون نسخه فروش کرد. Skin به‌خاطر می‌آورد که: من تمام دهه ۲۰ سالگی عمرم را با سه آدم فوق‌العاده به دور دنیا سفر کردم و اوقات بسیار خوشی داشتم. اما این کار سنگین زنگ خود را زد. آن‌ها را بلعید و به بیرون تف کرد. و آن‌ها را برای همیشه تحلیل برد.

Skin می‌گوید: «هیچ چیزی نبود که بتواند جلوی جدایی را بگیرد، حدس می‌زنم مثل یک ازدواج بود. کارکردش تمام شده بود. دیگر از خود لذت نمی‌بردیم و متأسفانه دیگر جالب نبود. بنابراین Skin گروه را ترک کرد و کاری کرد که در هفت سال گذشته نکرده بود، مدتی را هیچ کاری نکرد، کله‌اش را دوباره جمع‌وجور کرد و دوباره به ترانه‌سرایی پرداخت و با خود گفت: «دیگر راه برگشتی نیست. دوباره شروع می‌کنم و مبارزه می‌کنم تا اثری با کیفیت ممتاز خلق کنم.»

او اعتراف می‌کند: «رکورد بسیار سختی بوده تمامی آلبوم درباره بیماری‌یی ذهنی است که ما عشق می‌خوانیم‌اش، با تمامی جنبه‌ها و فضاهای خاکستری‌اش. برای خوشحال بودن در زندگی خود را در مخصصه‌هایی جنون‌آمیز می‌اندازیم و من می‌خواستم تمام این‌ها را مجموعه‌بندی کنم. تمام قطعات پیرامون سه رابطه مشخص در زندگی من است. برای من آلبومی رهایی‌بخش است و به من کمک کرد تا بسیاری چیزها را از سینهام بیرون بریزم. حالا احساس بسیار بهتری دارم و می‌دانم که

بهترین کاری است که تا به حال کرده‌ام. فلسفه‌اش این است که هیچ چیز را پشت سر نگه ننداریم و او این کار را نکرده است. Fleshwounds اثری صادقانه است. عنوان قطعاتش به‌تنهایی این تصویر را نقش می‌زند که خیلی خوشحال و شاد نبوده: Trashed, Lost without you و Trouble with me با لبخندی می‌گوید: «دوستاتم معتقدند که آدم پرمسأله‌یی هستم.»

جنبه درون‌نگرانه‌اش آن را موضوعی چالش‌برانگیز می‌سازد. آلبومی سیاه است، بله، صدایش ملامت از درد و اضطراب است. اما این‌ها ترانه‌های عاشقانه عبوس زیبایی هستند که عشق از روی آن‌ها قوس برداشته است. Listen to yourself با بیس تپنده‌اش به التهاب تپ مالا ریاست. Faithfulness، خشک و می‌گیرنده است و در قطعه پایانی Skin مثل یک چینی شکننده است. Fleshwounds در دوم ژوئن ۲۰۰۳ توسط

کمپانی EMI منتشر شده است.

□

## گفت‌وگوی کوتاه BBC با Skin

**دلمشغولی اصلی‌ات در مورد تهیه این آلبوم چه بود؟**  
چیزی که می‌خواستم این بود که دوباره به صدای خودم برگردم. فقط می‌خواستم بخوانم. بنابراین یکسال و نیم دور شدم و قطعاتی پر از اشعار و ملودی‌های غریب نوشتم که شما را آرام می‌کند. حس و حالی غمگین می‌خواستم، تجربی و در عین حال باشکوه. این طور بود که Fleshwounds ساخته شد.

**تصمیمی در مورد تغییر ظاهر ت گرفت یا پیش آمد؟**  
به نوعی تغییر کرده‌ام. واقعاً ننشستم و فکر کنم که باید قیافه‌ام را تغییر بدهم. دلیل این‌که موهای بلند شده این است که آن‌ها را دیگر نتراشیده‌ام. دیگر نمی‌خواهم مثل قبل باشم.

**آیا در مورد معرفی و وارد کردن زنان سیاه‌پوست به موسیقی آکتر ناتیو فشاری حس می‌کنی؟**

خب مسلماً تعداد زنان سیاه‌پوست در این صنعت کم است. اما احساس می‌کنم بیشتر خودم را معرفی

می‌کنم. دوست دارم که مایه الهام دیگران باشم اما یک چیز این است که آدم‌ها را در مورد موزیسین شدن الهام ببخشی و دیگری این است که صنعت موسیقی را وادار کنی که برود آن‌ها را پیدا کند. کمپانی‌ها معمولاً دنبال دخترهای خوشگل و بلوند می‌گردند. من می‌توانم زنان سیاه‌پوست را در این زمینه با انگشت‌های یک دست بشمارم و این غم‌انگیز است.

**آیا فکر نمی‌کنی مردم از حضور روی صحنهات می‌ترسند و نسبت به رفتار آرامات بیرون صحنه شگفت‌زده می‌شوند؟**

صادقانه بگویم نمی‌دانم مردم درباره چه حرف می‌زنند. این را به خودم هم می‌گویم اما من روی صحنه هم مثل همین الان هستم. چند روز پیش برادرم تلفن کرد و گفت در یک مصاحبه خوانده که قد من ۶ فوت و ۴ اینچ است. اما من ۵ فوت و ۷ اینچ هستم. نمی‌دانم چرا مردم فکر می‌کنند من خیلی



قدبلند و وحشی هستم.

در مورد هنرمند سولو بودن بگو.

فکر می‌کنم که خیلی راحت است که کسی خودش را ول کند و تبدیل به یک «من» بزرگ شود چون همه دوروبرت می‌چرخند و ازت سؤال می‌کنند که چیزی می‌خواهی یا نه و مواظبت هستند تا شاد باشی. امیدوارم من این‌طور نشوم.

□

## گمشده بدون تو

در انتظار چه بودم؟

در انتظار ترکیدن یک حباب

بر فراز مکث‌های راکد تو

نمی‌توان التیام بخشید آن چه اهریمن‌ات نمی‌بیند

یا این‌که آتشی روشن کنی به زیر مرگ من

بر تمام بهانه‌های مان شلیک کردیم

روزها درون قلبم در دوران‌اند

راهی یافتم که گذر کنم

حالا سرپا هستم و می‌دوم

به حد کافی نیرومند تا دور شوم

و تو را تنها ترک کنم

گم نخواهم شد

بدون تو گم نخواهم شد

در انتظار چه بودی؟

در انتظار پرکاهی که بشکند

بر پشت راه‌های در مانده

برایم یک رویا بودی

حالا هیچ نیستی جز قلبی خونبار

تو را از خود می‌شویم و ادامه می‌دهم

روزها درون قلبم در دوران‌اند

راهی یافتم که گذر کنم

حالا سرپا هستم و می‌دوم

به حد کافی نیرومند تا دور شوم

تو را تنها ترک کنم

گم نخواهم شد

بدون تو گم نخواهم شد

آن‌گاه که تو را باز ببینم

دلیلی دیگر می‌یابم

تا خود را دور نگاه دارم

از گم شدن درون تو

## دور ریخته

مثل یک سربازم

بدون بهانه‌ی برای جنگیدن

بازی با پسرهای بار

برای امتحان کردن تو

به چهره‌ات نگاه می‌کنم

به دنبال یک نشانه

نشانه‌های از یک شکست

سپس احساس و الا دارم

حالا می‌دانم که باید بدون تو زندگی کنم

تا این‌جای کار فقط می‌توانم خم شوم

به گمانم وقت آن است که تکانی بخورم

بدون تو

حالا رفته‌ی و قلبم را دور ریخته‌ی

رفتار جامد

خوش ظاهرم یک شاهکار

هنوز بسیار ضرورتر از آنم

که شکست بخورم

حالا می‌دانم که باید بدون تو زندگی کنم

تا این‌جای کار فقط می‌توانم خم شوم

به گمانم وقت آن است که تکانی بخورم

بدون تو

حالا رفته‌ی و قلبم را دور ریخته‌ی

آری می‌شنوم

که تو این را دیگر حس نمی‌کنی

می‌بینم

که دیگر چیزی برای باور نیست

تنها دو خائن آماده جفت‌گیری

که هنوز از اندوه اجتناب می‌کنند

چون بسیار دشوار است.

